

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال سیزدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶ / ۰۷ / ۱۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶ / ۰۸ / ۲۵

صفحات: ۱۹۵-۲۲۴

## آینده پژوهی جامعه مدنی در ایران با تاکید بر روش تحلیل لایه لایه علت‌ها (CLA)

زهرا مسعود\*

دانش آموخته دکتری گروه علوم سیاسی، واحد تهران (علوم و تحقیقات)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران (علوم و تحقیقات)، ایران

احمد ساعی

دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران (علوم و تحقیقات)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران (علوم و تحقیقات)، ایران

### چکیده

آینده پژوهی به منزله یک حوزه میان رشته ای، امکان شناسایی رویدادها و روندهای موثر در شکل گیری تحولات سیاسی آینده و دست یابی به تصویر آینده را فراهم کند. یکی از مهم ترین مفروضات آینده پژوهی نگاه طیفی و کثرت گرا به آینده است. به عبارت روشن تر در آینده پژوهی تنها با یک آینده متعین رو به رو نیستیم بلکه همواره با طیفی از آینده های پیش روی سیاست و سیاست گذاری وجود دارد. جامعه مدنی از جمله مباحثی است که مورد توجه اندیشمندان زیادی قرار گرفته است و حوزه های گوناگون علمی هم چون حقوق، علوم سیاسی، مدیریت، جامعه شناسی و ... را در برمیگیرد. مفهوم جامعه مدنی در درون گفتمان مدرنیستی توسعه جایگاه ویژه ای دارد مروری بر نظریات توسعه سیاسی پس از جنگ جهانی دوم نشان می دهد که تکوین و شکل گیری جامعه مدنی یکی از شرایط اساسی توسعه سیاسی و در حقیقت پیش شرط تحقق همه شرایط دیگر است. زمینه های شکل گیری جامعه مدنی در ایران با دشواری های زیادی رو به رو بوده است. اما ادامه این روند با توجه به تغییرات و پیشران هایی که در این حوزه وجود دارد امکان پذیر نیست. هدف از پیاده سازی روش (CLA) که سهیل عنایت الله آن را طراحی کرده است این است که با تحلیل لایه لایه علت ها، ساخت شکنی پدیده های اجتماعی و با رسیدن به درک عمیق از لایه های زیرین مسائل و مشکلات، به درک عمیق تری نسبت به موضوع برسیم.

**کلمات کلیدی:** آینده، آینده پژوهی، جامعه، جامعه مدنی، توسعه، روند، پیشران.

## مقدمه:

اهمیت تصویر آینده به حدی است که آینده پژوهانی چون جیمز دیتور و فرد پُلاک مدعی هستند تصویر آینده سنگ بنای آینده پژوهی است و در صورتی که سازمان، ملت و تمدنی تصویری از آینده نداشته باشد، محکوم به شکست است (Dator, ۲۰۰۲, ۱۰-۱۱).

از بدو پیدایش نخستین اندیشه‌ها و نظریه‌های سیاسی، تصویرپردازی در خصوص آینده به منظور خروج از وضع موجود و نیل به وضع مطلوب، همواره مورد توجه فیلسوفان سیاسی بوده است (Lombardo, ۲۰۱۰). مفهوم یوتوپیا که در زبان فارسی آرمانشهر و ناکجاآباد برگردانده شده، یکی از مهمترین مفاهیم مرتبط با تصویر آینده مطلوب است.

به اعتقاد توماس اسپریگنز، آرمان‌شهر تجسم عالم و نظریه پرداز علم سیاست از جامعه بازسازی شده است و نمایانگر آینده است. وی تأکید می‌کند که نظریه پرداز علم سیاست آزاد نیست که در تصورات شیرین غرق شود. به عبارت روشنتر، این آینده اندیشی از جنس خیالپردازی و رؤیاگرایی نیست، بلکه به شدت با واقعیات مرتبط است. به عبارت روشنتر، تصویر آینده باید فراقندی امکانات واقعی و قابلیت‌های حقیقی زندگی انسانی باشد؛ یعنی بر زندگی واقعی افراد در جامعه استوار باشد (اسپریگنز، ۱۳۷۰، ۱۴۳-۱۴۲).

از همین رو، هارولد لاسول، از پیشگامان علم سیاست، ضرورت تصویرپردازی در حوزه علوم سیاسی را به منزله گامی مهم در دستیابی به آینده مطلوب مطرح کرد. او برای پیشبرد مقصود خود یعنی آمیختن علوم سیاسی با آینده پژوهی، پنج شرط زیر را در نظر گرفت (Bell, ۲۰۰۳, ۴۹-۵۰):

۱- شفاف سازی اهداف و ارزشها؛

۲- توصیف روندها؛

۳- تبیین شرایط؛

۴- تصویرپردازی آینده‌های ممکن و محتمل در صورت تداوم سیاست‌های کنونی؛

جامعه مدنی موجب شناسایی جامعه و ساخت های آن به اعضای خود و در نهایت توده‌ها می‌شود و بدین ترتیب به عنوان عامل جامعه‌پذیری سیاسی و اجتماعی نقش قابل ملاحظه‌ای در بسیج افراد در تصمیم‌گیری‌ها و انتخابات دارند. جامعه مدنی با دریافت خواسته‌ها و تقاضاها از بافت اجتماعی علاوه بر اینکه آن را به سطوح عالی و دولت انتقال می‌دهد، با اصلاح و تعدیل این خواسته‌ها، آن را عقلانی نموده و بدین ترتیب موجب گسترش آگاهی جمعی و ارتقاء بینش افراد جامعه می‌گردد.

درحالی که نقش و رسالت جامعه‌مدنی در رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک ملت و کشور انکارناپذیر است. اما در ایران نتوانسته است از جایگاهی واقعی برخوردار باشد و رسالت تاریخی خود را ایفا کند. یک‌صدسال پیش از این زمان، مفاهیمی مانند حاکمیت‌قانون، عدالت، مشارکت‌سیاسی،

و ... به مثابه آرمان‌های اساسی جامعه مدنی، جنبشی را در ایران به وجود آورد که انقلاب مشروطه نام نهادند و در آن زمام مباحثی در زمینه مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت این مفاهیم توسط مخالفین و موافقین آن مطرح شد.

یکصد سال پس از آن زمان، برای چندمین بار، این مفاهیم به مثابه آرمان‌های اساسی جامعه مدنی، انرژی گسترده‌ای را در ایران آزاد نمود که آن خرداد ۱۳۷۶ نام نهادند.

یکصد سال در ایران چه گذشته است که جامعه ما هم چنان در تعیین مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت آن مفاهیم جا مانده است، اما نهاد ناخودآگاه جامعه، علیرغم نفی این مفاهیم در عمل، روبه پذیرش آن‌ها دارد و در دوره‌های متوالی به آزاد نمودن انرژی‌های در خود خفته خویش اقدام می‌کند و پس از آن آرام می‌گیرد و این چرخه مدام در حال حرکت و تکرار است. تاریخ‌سیاسی یکصدسال گذشته به طور مکرر شاهد حرکت معنا دار سیکل دوره‌ای کوتاه از آرامش و ثبات (آرامش گورستانی به تعبیر منتسکیو) و دوره‌ی شورش، انقلاب و آزاد شدن ناگهانی انرژی‌ها بوده است. مساله اصلی در کدام قضیه نهفته است که جامعه ایران باید در دور باطل گرفتار آید و قادر به تحرک و پیشرفت و دست‌یابی به اهداف مدنی در قالب ارزش‌های بومی و دینی خویش نباشد؟ چه اندیشه‌هایی و در پی آن چه کسانی موافقین جامعه مدنی و چه اندیشه‌هایی در عمل مخالف جامعه مدنی است؟

مشکل اصلی در جامعه ایران در دستیابی به جامعه مدنی کدام است؟ آیا می‌توان با ایجاد ساختاری شبیه آن‌چه که در جامعه مدنی غرب تجویز می‌شود به جامعه مدنی دست یافت؟ و یا اینکه همه این ساختارها باید مسبوق به زمینه‌های فکری و مطابق با ارزش‌های جامعه مدنی باشد؟ آینده‌های بدیل پیش روی جامعه مدنی در ایران چیست؟

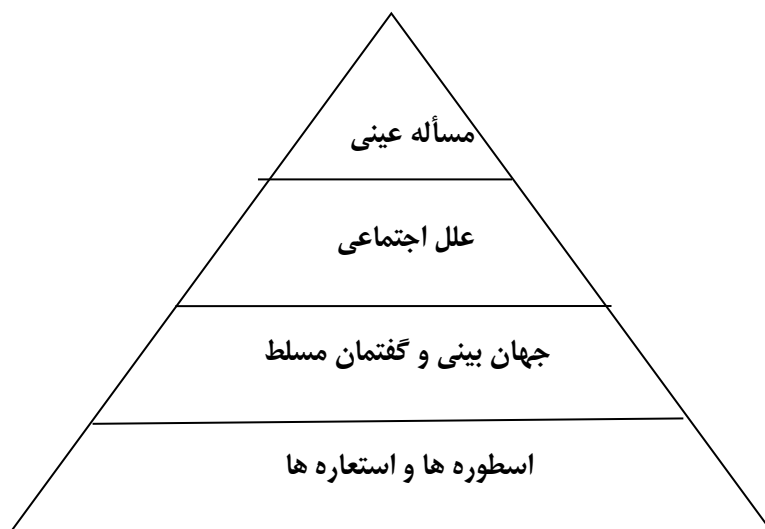
### تبیین روش آینده پژوهی لایه لایه علی CLA

روش لایه‌ای علی را برای نخستین بار سهیل عنایت‌الله در سال ۱۹۹۸ میلادی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل لایه‌ای علی: فراساختارگرایی به مثابه روش» در مجله فیوچرز مطرح کرد. در این مقاله عنایت‌الله از رویکردهای فراساختارگرایی افرادی مانند میشل فوکو و مایکل شیپرو در شناسایی و تحلیل شکل‌دهنده به آینده تأثیر گرفته بود (۸۲۹-۸۱۵، ۱۹۹۷، Inayatollah). اما به تدریج عنایت‌الله در ویرایش‌های بعدی نظریه خود رهیافتهای تجربی و تفسیری را نیز بکار گرفت. به طوری که در کتاب پرسش از آینده مدعی شد روش لایه‌ای علی دستاورد تلفیق سه نوع آینده پژوهی به شرح زیر است (۶-۷، ۲۰۰۷، Inayatollah).

نکته مورد توجه در روش لایه‌ای علی آن است که به منظور شناخت «واقعیت» چارچوب‌های

معرفت شناختی و روش شناختی متفاوت به طور همسنگ دیده می‌شوند. به عبارت روشنتر، مدعی اصلی این روش آن است که هر چارچوب معرفت‌شناسی و روش شناختی، امکان شناخت لایه و سطحی از واقعیات شکل دهنده به آینده را به دست می‌دهد. بنابراین، نمی‌توان یک چارچوب معرفت‌شناسی را نسبت به چهارچوب دیگر دون پایه‌تر یا برتر دانست. از همین رو طیفی از روش‌های کمی و کیفی برای شناخت سطوح و لایه‌های واقعیت بکار گرفته می‌شوند.

مطابق روش لایه‌ای علی‌زمانی که در خصوص موضوعی قصد آینده‌پژوهی داریم، باید طیفی از لایه‌های عینی و ذهنی شکل دهنده به آینده را مطابق شکل ۱ مورد توجه قرار داد. هر کدام از این لایه‌ها را به کمک یک چهارچوب معرفت‌شناختی به شرح زیر می‌توان شناخت (Inayatollah, ۲۰۰۴, ۱۱-۱۵):



۱- لایه مسأله عینی که ناظر بر عینیترین و آشکارترین سطح آینده است و فهم آن نیاز به مهارت‌های تحلیلی خاصی ندارد. در این لایه وقوع آینده برای همه پذیرفته شده و از حیث کمی، داده‌ها و اطلاعات بسیاری در خصوص آن در رسانه‌های گروهی منتشر شده است. در این لایه مفروضات به ندرت در معرض پرسش قرار می‌گیرند. آینده‌پژوهی تجربی چهارچوب معرفتی مناسب برای شناخت این لایه است.

۲- لایه علت‌های اجتماعی که ناظر بر عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی است. در این لایه تلاش می‌شود داده‌های کمی بر حسب همبستگی متغیرها، رابطه علیت، به کارگیری یک نظریه خاص و نقد سایر نظریات تفسیر شوند. در این لایه مؤسسات سیاست‌پژوه و سیاست‌گذار تحلیل‌های مستدل و مستندی را در خصوص آینده در روزنامه‌ها و مجلات منتشر می‌کنند. نقطه

تعالی این تحلیل‌ها، تبیین علمی و فنی رخدادهای آینده است. در این لایه، نقش دولت و سایر کنشگران، خاصه گروه‌های فشار پر رنگ می‌شود. اما نکته مهم آن است که داده‌های کمی در معرض پرسش و تردید گذاشته نمی‌شوند و چنانچه مورد پرسش واقع شوند، پارادایم پشتیبان موضوع به چالش کشیده نمی‌شود و بنابراین این پارادایم هم چنان مسلط باقی می‌ماند. در این لایه نیز آینده پژوهی تجربی چارچوب معرفتی مناسب برای شناخت واقعیت است.

۳- لایه سوم ناظر بر فهم ساختار، جهان‌بینی و گفتمانی است که نه تنها پشتیبان دعوی معرفتی مرتبط با آینده است بلکه به این دعوی مشروعیت می‌بخشد و علت‌های اجتماعی بوجود آورنده مسأله عینی (لایه اول) را شکل می‌دهند. این لایه بر تصویر بزرگ و پارادایمی متمرکز است که باعث می‌شود ما پدیدارها و رخدادهای عالم را واقعی یا غیر واقعی بدانیم. در این لایه تلاش‌های آینده‌پژوه ناظر بر شناخت ساختارهای فرهنگی، زبانی و اجتماعی هستی بخش آینده است. فهم مفروضات عمیق نهفته در مسائل مرتبط با آینده و ارائه تفسیری جدید از مسأله در این لایه مورد توجه است. در این مرحله، آینده پژوهی می‌تواند گفتمان‌های مختلف شکل دهنده به آینده را کشف کند و نشان دهد که چگونه گفتمانی که ما برای فهم مسائل به کار می‌گیریم، در پیکربندی خود آن مسأله نقش دارد.

۴- لایه چهارم ناظر بر فهم نشانه‌ها و استعاره‌هایی است که به شیوه‌ای ناخودآگاه، به شکل گیری جهان‌بینی و گفتمان مسلطی که بوجود آورنده علت‌های اجتماعی و مسأله عینی شده است، کمک می‌کنند. در این لایه عمیقترین روایت‌ها، طرحواره‌ها و تصاویر ذهنی شکل دهند به آینده مورد کنکاش قرار می‌گیرند. این روایت‌ها، طرحواره‌ها و تصاویر نه در اندیشه بلکه در احساس افراد ریشه دارند.

در این لایه، زمینه‌های تمدنی شکل دهنده به گذشته، حال و آینده بازنمایی می‌شوند. شالوده شکنی استعاره‌های متعارف و عرضه استعاره‌های بدیل رهگذر مناسبی را به منظور نقد حال و خلق آینده‌های بدیل فراهم می‌کند. بر این اساس، فهم استعاره‌ها و اسطوره‌ها نه تنها لایه‌های عمیق تمدنی شکل دهنده به یک آینده خاص را آشکار می‌کند، بلکه با ردیابی عوامل ناخودآگاه و اسطوره، امکان خلق آینده را فرای مرزهای عقلانی مهیا می‌سازد.

بنابراین، در روش لایه ای علی، آینده پژوهی با نگاهی از بالا به پایین و از پایین به بالا، می‌تواند تحلیل خود را یکپارچه سازد و گفتمان‌ها، شیوه‌های کسب معرفت و جهان‌بینی‌های مؤثر در شکل گیری آینده را با هم ادغام و در نتیجه بر غنای تحلیل خود در خصوص آینده بیفزاید (Inayatollah, ۲۰۰۸, ۹).

نکته ای که ذیل روش تحلیل لایه ای علی باید به آن توجه کرد آن است که به میزانی که از لایه مسأله عینی، که ملموس ترین لایه است، به لایه اسطوره و استعاره، که ناملموس ترین لایه در شکل دهی به آینده است، نزدیک می‌شویم، کسب شناخت و معرفت هم به لحاظ زمانی و هم به

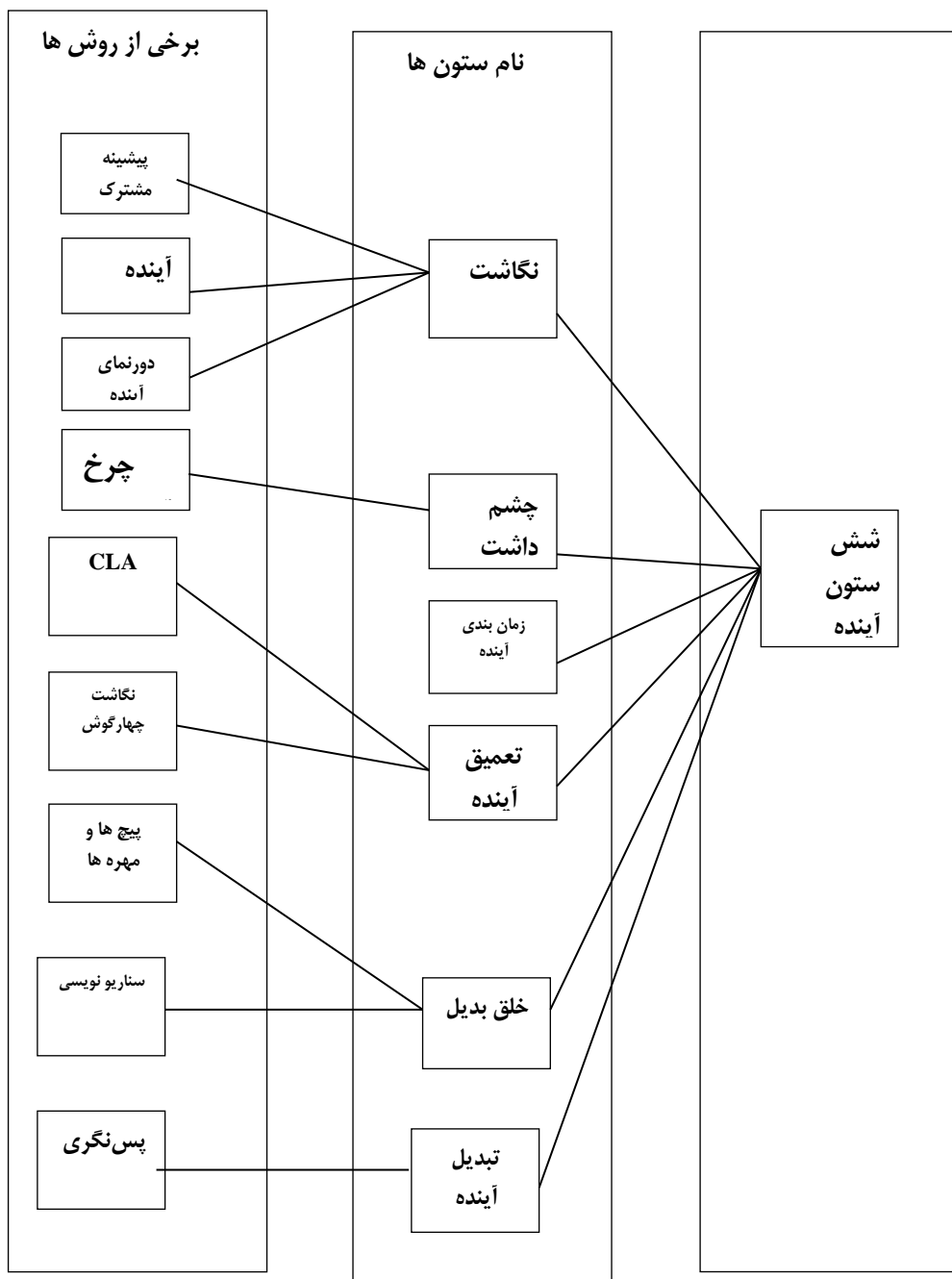
لحاظ درجه عینی و ذهنی بودن آن تغییر می‌کند. لایه اول و دوم ملموس تر و لایه سوم و چهارم ناملموس تر و به تبع آن شناخت آن‌ها نیز دشوارتر و در بازه زمانی طولانی تری به دست می‌آید.

### شش ستون آینده پژوهی

عنایت الله شش پرسش بنیادین را در فعالیت آینده پژوهی به این صورت معرفی می‌کند:

- ۱- به نظر شما آینده چگونه خواهد بود؟
  - ۲- آن را چگونه پیش بینی می‌کنید؟
  - ۳- از چگونه آینده ای هراس دارید؟ آیا فکر می‌کنید توانایی تبدیل چنین آینده ای را به آینده‌ای مطلوب دارا هستید؟ چرا؟
  - ۴- فرض های پنهان در پیش بینی شما راجع به آینده کدام هستند؟
  - ۵- اگر فرض های خود را تغییر دهید، چه تصاویر بدیلی از آینده ظاهر می‌شوند؟
  - ۶- آینده مطلوب شما کدام است؟
- چگونه می‌توانید آینده مطلوب خود را محقق سازید؟ (عنایت الله، ۲۰۰۸).

وی با طرح اهداف آینده پژوهی در قالب سؤالات بالا این حوزه را بنایی متکی بر شش ستون معرفی می‌کند: نگاهت، چشم داشت، زمان بندی آینده، تعمیق آینده، خلق بدیل و تبدیل آینده. به زعم عنایت الله، برای دستیابی به اهداف هر ستون می‌توان از روش‌های گوناگونی استفاده کرد. در نمودار ۱ جایگاه این روش‌ها در ارتباط با شش ستون پیش گفته به نمایش درآمده است.



نمودار ۱- شش ستون آینده پژوهی و برخی از روش‌های قابل استفاده در هر یک از آن‌ها

## ۱- لایه اول مساله عینی

نگاشت گذشته، حال و آینده، نخستین ستون آینده پژوهی و قدم اول برای درک آینده است. در این مرحله می خواهیم با بررسی گذشته، حال و آینده درکی واضح تر راجع به آن ها کسب کنیم، اگر چه ممکن است در آینده با چیزهای جدیدی مواجهه شویم، اما معمولاً دقت در گذشته و حال، نشانه هایی از آن چه در آینده رخ خواهد داد را برای ما آشکار می سازد. از اینرو مطالعه تاریخ در این مرحله حیاتی است. علاوه بر این باید روندها، پیشران ها و تصاویر آینده را به عنوان عوامل شکل دهنده آینده بشناسیم (عنایت الله، ۲۰۰۷: ۱۹).

جامعه ایران در یک صد سال گذشته در معرض رشد فزاینده برنامه های نوسازی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده است و جامعه کنونی ایران از منظر فرآیندهای نوسازی جامعه‌ی مدرن است. اما اگر از منظر منظومه ای جامعه مدنی به جامعه ایران نگاه کنیم نشان می دهد که بخش مدنی در جامعه غلبه ندارد بلکه بسار نحیف است.

هر چند در مقطعی از تاریخ پر فراز و نشیب ایران شاهد رشد و گسترش نهادهای مدنی بسیاری بوده ایم اما هرگز شاهد شکل گیری جامعه مدنی قوی و کارآمد که رسالت اصلی خود در رسیدن به توسعه سیاسی و دموکراسی انجام دهد را ندیده ایم. یکصد سال پیش از این زمان، مفاهیمی مانند حاکمیت قانون، عدالت، مشارکت سیاسی و ... به مثابه آرمان های اساسی جامعه مدنی، جنبشی را در ایران به وجود آورد که انقلاب مشروطه نام نهادند و در آن زمام مباحثی در زمینه مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت این مفاهیم توسط مخالفین و موافقین آن مطرح شد. یکصد سال پس از آن زمان، برای چندمین بار، این مفاهیم به مثابه آرمان های اساسی جامعه مدنی، انرژی گسترده ای را در ایران آزاد نمود که آن خرداد ۱۳۷۶ نام نهادند.

یکصد سال در ایران چه گذشته است که جامعه ما هم چنان در تعیین مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت آن مفاهیم جا مانده است، اما نهاد ناخودآگاه جامعه، علیرغم نفی این مفاهیم در عمل، روبه پذیرش آن ها دارد و در دوره های متوالی به آزاد نمودن انرژی های در خود خفته خویش اقدام می کند و پس از آن آرام می گیرد و این چرخه مدام در حال حرکت و تکرار است. تاریخ سیاسی یکصد سال گذشته به طور مکرر شاهد حرکت معنا دار سیکل دوره ای کوتاه از آرامش و ثبات (آرامش گورستانی به تعبیر منتسکیو) و دوره ی شورش، انقلاب و آزاد شدن ناگهانی انرژی ها بوده است.

مساله اصلی در کدام قضیه نهفته است که جامعه ایران باید در دور باطل گرفتار آید و قادر به تحرک و پیشرفت و دست یابی به اهداف مدنی در قالب ارزش های بومی و دینی خویش نباشد؟ چه اندیشه هایی و در پی آن چه کسانی موافقین جامعه مدنی و چه اندیشه هایی در عمل مخالف جامعه مدنی است؟



مشکل اصلی در جامعه ایران در دستیابی به جامعه مدنی کدام است؟ آیا می‌توان با ایجاد ساختاری شبیه آن چه که در جامعه مدنی تجویز می‌شود به جامعه مدنی دست یافت؟ و یا اینکه همه این ساختارها باید مسبوق به زمینه‌های فکری و مطابق با ارزش‌های جامعه مدنی باشد؟

## جامعه مدنی از دیروز تا امروز

براین مبنا می‌توان تشکل‌های مدنی را در سه دوره پیش از مشروطه، از مشروطه تا انقلاب اسلامی و از انقلاب اسلامی به بعد مورد مطالعه قرار داد.

دوره پیش از مشروطه: به اعتقاد یکی از نویسندگان، یک جامعه مدنی در ایران حداقل از نیمه دوم حکومت صفویان بر پایه دو گروه با قدرت علمای شیعه و بازاری‌ها وجود داشت (کمالی، ۱۳۸۱: ۷۷).

علمای شیعه در ایران سازمان مذهبی مثل کلیسای مسیحی نداشته و پایه قدرت و نفوذشان بر سازمان‌های اجتماعی مثل مرجعیت تقلید، نیابت امام غایب، اجتهاد، جمع‌آوری و تصدی مالیات‌های مذهبی مثل خمس و زکات و سهم امام، تولید اماکن مقدسه و سرپرستی اوقاف استوار بود.

خانم لمبتون نیز در تحلیل خود از جامعه اسلامی ایران در سده‌های میانه از قدرت بازارها نام برده و می‌نویسد که دولت‌ها آن چنان به قدرت اقتصادی بازار وابسته بودند که در مواردی بعضی از بازاری‌ها با استفاده از نفوذ خود به وزارت نیز می‌رسیدند. بنابراین بازار و روحانیت را می‌توان دو رکن اصلی جامعه مدنی ایران پیش از مشروطه دانست. البته نویسنده دیگری علاوه بر این دو گروه بزرگ از نهادهای دیگری نظیر گروه‌های عشیره‌ای و روستایی، محله‌ها، عیاران و اهل فتوت، لوطی‌ها و داش‌ها، ریش سفیدان و نیز سنت بت‌نشینی به عنوان گروه‌ها و نشانه‌های جامعه مدنی ایران پیش از مشروطه نام می‌برد. علاوه بر این‌ها می‌توان از گروه‌های دیگر چون هیأت‌های مذهبی و حسینیه‌های سنتی نیز نام برده شود (علوی تبار، ۱۳۷۷: ۶۹).

## از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی

انقلاب مشروطه حاصل خیزش بزرگ جامعه مدنی سنتی و گروه‌های جدید اجتماعی علیه قدرت خودکامه بود. نیروهای عمده این انقلاب رهبران مذهبی، تجار بازار، اصناف، رؤسای قبایل، اشراف بودند که همگی در جامعه مدنی قرار می‌گرفتند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۵۷۷).

پیروزی انقلاب مشروطه باعث گسترش جامعه مدنی و تشکل‌های مدنی جدید در کنار جامعه مدنی سنتی گردد. به عنوان نمونه، نخستین اتحادیه کارگری ایران در سال ۱۲۸۵ توسط شکل گرفت

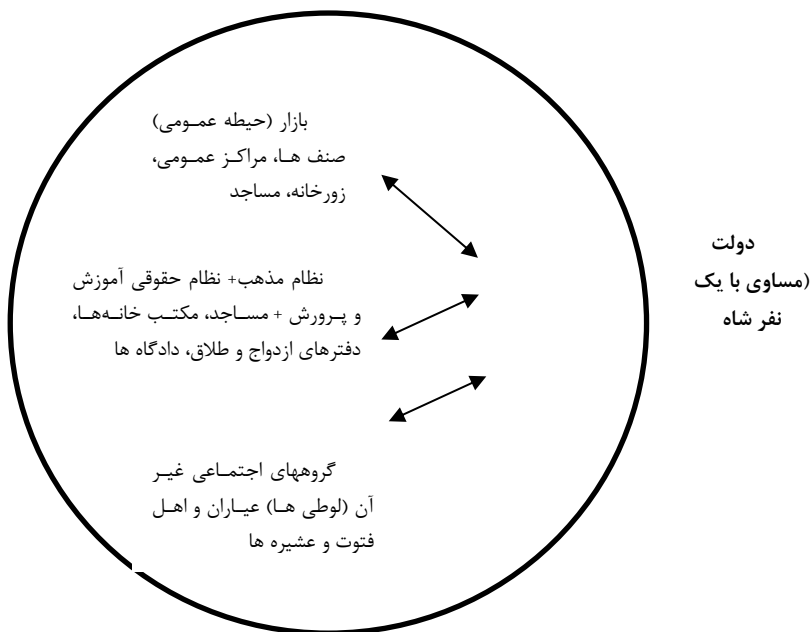
(افضلی، ۱۳۷۷: ۱۸۶).

اما با ظهور رضاشاه و تشکیل حکومت نوساز و اقتدار طلب او و با استیلاي دربار و ارتش، زندگي مدني رو به افول رفت. هرچند که در این دوران دو گروه عمده شهري یعنی بوروکرات ها و گروه های متوسط و کارگران رشد یافتند حکومت رضاشاه با فشارها و اقدامات فراوان علیه گروه های مدني سنتي مثل روحانيت و بازارهای سنتي و نیز محدود کردن تشکل های جدید، جامعه مدني را بسیار لاغر و ضعیف کرد. با سقوط رضاشاه و باز شدن فضای اجتماعی بار دیگر جامعه مدني به صحنه آمد اما باز هم نابسامانی و هرج و مرج و نزاع گروه های داخلی زمینه را برای ظهور مجدد دولت مطلقه فراهم آورد. وقوع کودتای ۲۸ مرداد با دوره ای دیگر از استبداد و خودکامگی و در نتیجه محدود شدن جامعه مدني همراه بود.

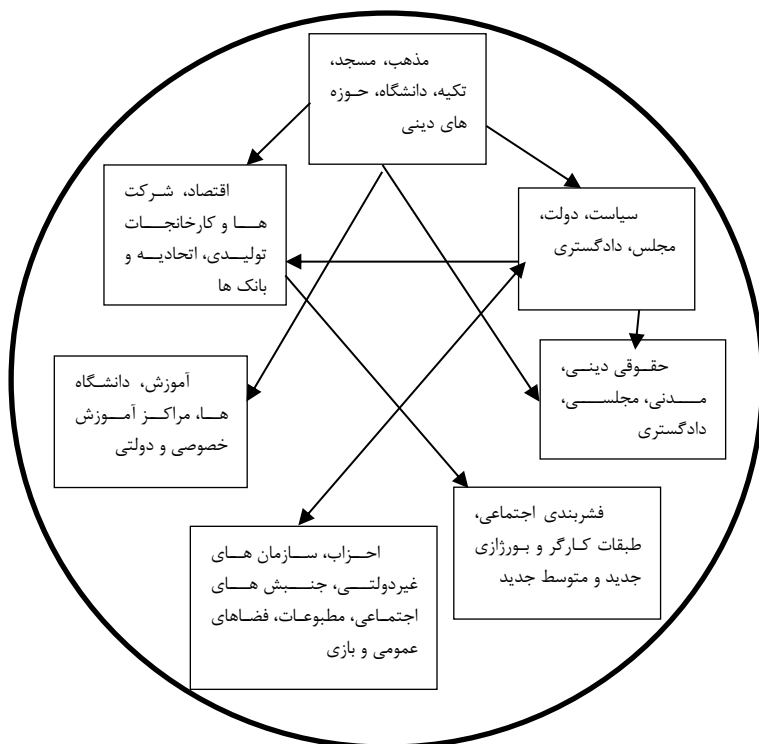
### انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک شگفتی ساز

پس از پیروزی انقلاب اسلامی همانند چند دوره پیشین جامعه مدني گسترش قابل ملاحظه ای یافت. افزایش منازعات سیاسی بین گروه ها و جریانات سیاسی و وقوع جنگ ایران و عراق و پیروزی جریانات اسلامگرا، فضای سیاسی و اجتماعی را به سمت انسداد برد. ضمن آنکه غلبه جریان اسلامگرا به رهبری روحانيت بر جریان ها و ورود روحانيت به قدرت سیاسی باعث شد تا جامعه مدني یکی از ارکان اصلی خود را از دست بدهد. شکل گیری نوعی سیستم پوپولیستی در سالیان دهه ۶۰ و تلاش برای تمرکز قدرت و سعی در سیاسی کردن بخش های مختلف جامعه، جامعه مدني را بسیار ضعیف و رنجور نمود. پس از پایان جنگ و درگذشت رهبر بزرگ انقلاب و روی کار آمدن رئیس جمهور جدید با سیاست های اقتصادی باز، امید به پیشبرد و گسترش جامعه مدني می رفت. اما این امید ثمر چندانی نداشت. افزایش نزاع های سیاسی در سطح قدرت و میل مجدد سیستم به تمرکز بیشتر با حذف جریان چپ اسلامی از قدرت و نیز تغییرات گسترده در برنامه پنج ساله دوم و کم رنگ شدن سیاست های تعدیل اقتصادی باعث گردید که جامعه مدني در مجموع رشد قابل ملاحظه ای پیدا نکند. انتخابات دوم خرداد و پیروزی کاندیدایی که سبط و گسترش جامعه مدني را سرلوحه برنامه های انتخاباتی خود قرار داده بود. امیدهای فراوانی را برای گسترش جامعه مدني برانگیخت. به متن آمدن گفتمان جامعه مدني و غلبه آن بر سایر گفتمان ها از مهمترین عوامل این امید بود. در این سال ها تشکل های مدني رشد قابل ملاحظه ای یافتند اما ادامه نزاع گروه های سیاسی و مقاومت های جدید ساختار قدرت البته بخش های اقتدارگرای آن تداوم گسترش جامعه مدني را با خطرات جدی مواجه کرده است.

شکل ۱- نظام اجتماعی جامعه سنتی ایران



شکل ۲. نظام اجتماعی جامعه مدنی در ایران امروز



حال پس از مرور جامعه مدنی در تاریخ ایران می توان به ویژگی‌های تشکلهای مدنی در ایران اشاره نمود:

الف) محدودیت: همان طور که ملاحظه گردید جامعه مدنی در طول تاریخ و به خصوص تاریخ معاصر ایران فراز و نشیب های فراوانی داشته است اما آنچه در همه این سال ها تقریباً وجود داشته محدودیت و کم رنگ بودن نهادهای مدنی بوده است. به طوری که حتی در دوران هرج و مرج و عدم حکومت دولت مطلقه نیز این جامعه سیاسی بود که بر جامعه مدنی غلبه داشت

ب) عدم احاطه: این ویژگی را باید مخصوص تشکلهای مدنی جدید دانست. این تشکلهای اساس، فاقد نفوذ کافی در مورد پیروان خود بوده و اساساً در سطح مؤسسين خود متوقف می مانند. به طور مثال اتحادیه های کارگران و اصناف کمتر در میان کارگران یا بازاریان نفوذ خود را نشان داده اند. به همین دلیل این تشکلهای از کارایی لازم برخوردار نیستند

ج) نظارت و کنترل شدید دولت: بسیاری از نهادهای به اصطلاح مدنی شکل گرفته در ایران معاصر اساساً دولت ساخته بوده و یا تحت کنترل و نظارت شدید دولت مرکزی بوده اند. به عنوان مثال در مورد نظام صنفی، این نظام به سبب ضعف تاریخی جامعه مدنی و سلطه عمال حکومت بر کسبه و پیشه وران شهری به نهادی خودگردان تکامل نیافت و هم چون ابزاری در دست حکام خودکامه و یا سیاست پیشگان درآمد و توانست به نوبه خود به رشد جامعه مدنی مدد کند (احمدی، ۱۳۷۷: ۴۱).

## نقش پیشران ها در تحقق جامعه مدنی در ایران

دومین ستون آینده پژوهی بر تحلیل روند و امور نوظهور متمرکز است. در اینجا به دنبال پیش بینی، به معنای دقیق نیستیم، بلکه هدف یافتن بذرهایی تغییر است (عنایت الله، ۲۰۰۷: ۲۹).

الف. شرایط بین المللی: با وقوع بحران در دولت های رفاهی در دهه ۱۹۷۰ و شکل گیری نئولیبرالیسم و پایان اقتصاد کنیزی، موج سوم تجدد با محوریت دولت حداقلی و جامعه مدنی حداکثری شکل گرفت. این موج که در ابتدا در کشورهای غربی بود، به تدریج و به خصوص پس از سقوط کمونیسم در صحنه جهانی، تمام جهان را در بر گرفت. وقایع پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به این روند شتابی دو چندان داد. این موج به بیشتر کشورهای خاورمیانه سرایت کرده است. امروز غالب حکومت های خاورمیانه تحت فشار ایالات متحده به تدریج از سیاست های تمرکز دست برداشته و به سمت گسترش جامعه مدنی پیش می روند. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۶۹۰-۵۴۶-۵۴۲) این تغییرات در صحنه جهانی و منطقه ای بدون تردید ایران را تحت تأثیر خود قرار داده و ماهیت تمرکزگرایانه قدرت سیاسی را کم رنگ خواهد کرد.

ب. نوسازی اقتصادی و طبقه متوسط جدید: نوسازی و تحولات ساختاری در حوزه های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، معمولاً شرایط مساعد تکوین جامعه مدنی را فراهم می آورند و برنامه های نوسازی متعدد در ایران منجر به شکل گیری و گسترش طبقه متوسط جدید در جامعه گردیده است. این طبقه که در تحلیل های مختلف از آن به عنوان موتور محرکه جامعه مدنی و دموکراسی یاد می شود تلاش خود را برای ایجاد فرهنگ سیاسی مدنی و محدود کردن قدرت و در نتیجه گسترش جامعه مدنی به کار خواهد بسته است (احمدی، ۱۳۷۷: ۲۴۷)

ج. نزاع های سیاسی در ساختار قدرت: غالباً جمهوری اسلامی نه به شکل یک سازمان هرمی شکل بلکه به صورت یک اندام با اعضای ناهمگون جلوه گر شده است. ساختار قدرت در این نظام از تعدادی حلقه به هم پیوسته و در عین حال خود مختار با درجات متفاوت قدرت تشکیل شده است نزاع های سیاسی در سالیان اخیر و عدم غلبه مطلق هیچ یک از جناح ها زمینه مناسبی را برای گسترش جامعه مدنی فراهم آورده است. علاوه بر این، در این سال ها حمایت بخشی از قدرت حاکم یعنی جناح اصلاح طلب از تشکل ها و سازمان های غیردولتی و مدنی در بسط و گسترش جامعه مدنی، مفید بوده است البته ذکر این نکته ضروری است که با توجه به احتمال یک دست شدن حاکمیت و قدرت به نفع جناح اقتدارگرا، این فرصت مهم در بسط جامعه مدنی را به طور قابل ملاحظه ای کاهش پیدا کند

و. رشد رسانه های عمومی و شبکه وسیع ارتباط جمعی: امروزه فضاهای جدیدی در عرصه ارتباطات شکل گرفته است که در اختیار حکومت نبوده و به صورت مستقل اداره می شوند. نفوذ روند جهانی شدن به ایران، همراه با رشد چشمگیر استفاده از اینترنت و فضاهای مجازی و نیز گسترش کلوب های گروهی و وبلاگ های شخصی در این فضاها همچنین، جهانی شدن رسانه ها و تولد ماهواره ها و نیز گسترش ارتباطات زمینی و هوایی، همگی زمینه خوبی را برای شکست ایدئولوژی های مخالف گسترش جامعه مدنی و در نتیجه بسط آن را فراهم می آورد. به عنوان نتیجه می توان گفت که علی رغم وجود موانع جدی بر سر راه گسترش جامعه مدنی می توان با توجه به زمینه ها و فرصت های عنوان شده، به بسط و گسترش بیشتر جامعه مدنی در ایران امیدوار بود.

## جامعه مدنی در ایران امروز

نهادهای و سازمان های مدنی امروزی هم از نظر تعداد و هم از نظر نوع، رشد زیادی پیدا کرده اند. اهم نهادهای مدنی در جمهوری اسلامی را می توان در چهار گروه طبقه بندی کرد: سازمان های مدنی نیمه دولتی، سازمان های غیردولتی (ان.جی.ا)، شوراهای اسلامی و شهر و روستا و احزاب سیاسی. در ایران بیشترین عضویت افراد در نهادهای جامعه مدنی متعلق به نهادهای بسته یا به اصطلاح

نهادهای واجد سرمایه اجتماعی است. به قراری که داده‌های موجود نشان می‌دهند، بیشترین عضویت مردان در وهله نخست متعلق به همکاری با هیات‌های مذهبی با ۴۸ درصد و پس از آن به ترتیب انجمن‌های ورزشی و تفریحی با ۲۹ درصد، پایگاه بسیج با ۲۴/۷ درصد، انجمن‌های اولیا و مربیان با ۲۴/۲ درصد، خیریه با ۲۰ درصد، انجمن‌های اسلامی با ۱۷ درصد، علمی با ۱۸/۲ درصد، هنری ادبی با ۱۲ درصد و احزاب و گروه‌های سیاسی با ۴/۲ درصد است (یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها، ۱۳۸۳: ۳۴۱-۷).

بر اساس این داده‌ها بیشترین تعداد عضویت متعلق به انجمن‌های بسته است که بر اساس هویت مذهبی و ورزشی شکل گرفته است، یعنی همون شاخص‌هایی که معرف انجمن‌های بسته و منزوی و مشارکت سنتی در مقابل مشارکت مدرن اند.

بیشترین فعالیت‌سازمان و نهادهای مدنی، چنان که گذشت، صرف امور مالی، پولی، قرض الحسنه، نیکوکاری، امور خیریه و عام‌المنفعه شده است. در سال ۸۴ سی درصد از این سازمان‌ها به همراه شعبه‌هایشان در این امور فعالیت داشتند (نتایج آمارگیری از سازمان‌های غیر دولتی، ۱۳۸۳: ۱۲).

فعالیت سازمان‌های زنان غیر دولتی در ایران نیز بر اساس ارزیابی مرکز امور مشارکت زنان به ۱۲ مورد تقسیم بندی شده است که شامل انجمن‌های مربوط به حوزه فرهنگ و اوقات فراغت، تحقیقی، تحصیلی، بهداشت، محیط زیست، توسعه و آموزش فنی و شغلی، توسعه حقوقی، مذهبی، حرفه‌ای و صنفی، پرداخت وام‌های کوچک، خدمات اجتماعی و شبکه‌های سازمان‌های غیر دولتی زنان می‌شود. از میان بیش از ۴۸۰ تشکل غیر دولتی زنان در زمان انجام نمونه‌گیری، بیشترین تعداد متعلق به انجمن‌های فعال در امور خیریه است که بالغ بر ۲۲/۶ درصد این تشکل در حوزه زنان را تشکیل می‌دهد. پس از آن نیز انجمن‌هایی قرار داند که در ارائه خدمات اجتماعی فعالیت دارند و ۲۲ درصد کل این تشکل‌ها را در برمیگیرند (babamoradi, ۲۰۰۴: ۷).

گروه دوم، سازمان‌های غیردولتی هستند که آن‌ها را می‌توان سازمان‌های واقعی جامعه مدنی در ایران محسوب کرد. بهمن‌نیرومند تعداد سازمان‌های غیردولتی کشور را در سال ۱۳۸۴ حدود ۱۰,۰۰۰ تخمین زده است که بیشتر در حوزه‌های علم و پژوهش (۳۸ درصد)، فرهنگ و هنر (۳۷ درصد)، مسایل اجتماعی (۱۶ درصد) و مسایل زیست-محیطی (۹ درصد) به فعالیت مشغول بوده‌اند (نیرومند، ۲۰۰۳: ۹). در "بانک اطلاعاتی سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های مردمی ایران" اسامی ۲,۲۸۹ سازمان غیردولتی ذکر گردیده است.

برخی دیگر از محققان کشور سازمان‌های غیردولتی را باتوجه به سه شاخص موضوع فعالیت، سطح عملیات و گروه مشتریان طبقه‌بندی کرده‌اند. براین‌اساس این سازمان‌ها از نظر زمینه فعالیت، در شش مقوله رفاهی (۲۹/۲ درصد)، توسعه‌ای (۶/۸ درصد)، حمایتی-ترویجی (۳۳/۹ درصد)، آموزشی (۲۵ درصد)، شبکه‌سازی (۲/۱ درصد) و پژوهشی (۳/۱ درصد) فعال هستند. براین‌اساس، سازمان‌های

خیریه، قرض‌الحسنه‌ها، تشکل‌هایی نظیر انجمن زنان مبتلابه سرطان سینه و جمعیت مبارزه با اعتیاد در زمره سازمان‌های رفاهی محسوب می‌شوند. تعداد کمی از سازمان‌های غیردولتی در عرصه‌های توسعه‌ای کار می‌کنند که فعالیت‌هایی چون تحقیقات توسعه و عمران محلی یا منطقه‌ای را برعهده دارند.

نوع دوم سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌هایی را در برمی‌گیرد که اهداف غیرصنعتی را دنبال می‌کنند. این نوع سازمان‌ها در حال حاضر بیشتر حول محور حقوق بشر و حقوق زنان فعالیت می‌کنند. از جمله سازمان‌های حقوق بشری غیردولتی در ایران می‌توان انجمن حمایت از زندانیان سیاسی و انجمن مدافعان حقوق بشر را نام برد.

### شوراهای اسلامی شهر و روستا

طبق اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شوراها یکی از ارکان تصمیم‌گیری درباره امور کشور در سطح میانه و خرد، و یا امور مربوط به استان‌ها، بخش‌ها و روستاها محسوب می‌شوند. در سال ۱۳۷۷ اولین انتخابات شوراهای شهر و روستا برگزار شد و شوراها در کشور رسمیت پیدا کردند. در حال حاضر، شوراهای اسلامی علاوه بر اختیاراتی که در زمینه انتخاب شهردار، بخش‌دار و ده‌دار، طرح لوایح و پیشنهادهای درباره امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی شهری و روستایی دارند، می‌توانند بر عملکرد نهادهای شهری روستایی شامل شهرداری‌ها، بخش‌داری‌ها و ده‌داری‌ها نظارت داشته باشند و با سایر ارگان‌های شهری و روستایی همکاری کنند. در روستا، شورا یکی از اهرم‌های رفع اختلافات محلی و انعکاس نیازهای روستاییان به مراجع بالاتر محسوب می‌شود.

براساس آمار وزارت ارشاد اسلامی، در سال ۱۳۸۶ در کشور ۱۵۲ حزب و گروه سیاسی به طور رسمی مجوز فعالیت داشته‌اند. به این تعداد باید احزاب سیاسی‌ای را اضافه کرد که به طور غیررسمی در خارج از کشور فعالیت می‌کنند. احزاب و گروه‌های سیاسی داخل کشور را از جهت رابطه‌شان با جمهوری اسلامی در سال‌های پس از انقلاب می‌توان به دو طیف اصلی تقسیم کرد: احزاب و گروه‌های سیاسی بیرون از قدرت و احزاب و گروه‌های سیاسی درون قدرت.

الف. احزاب و گروه‌های سیاسی بیرون از قدرت: این دسته احزاب و گروه‌های سیاسی‌ای را شامل می‌شوند که از زمان پیروزی انقلاب تا به حال به دلایلی از مشارکت در قدرت محروم شده‌اند. از جمله احزاب بیرون از قدرت می‌توان به حزب ملت ایران، جنبش مسلمانان مبارز، جنبش آزادی بخش ملی ایران (جاما)، نهضت آزادی ایران و گروه موسوم به ملی-مذهبی‌ها اشاره کرد.

ب. احزاب و گروه‌های سیاسی درون قدرت: این گروه از احزاب که با توجه به تغییر و تحولات شرایط سیاسی داخلی و بین‌المللی کم و بیش اجازه مشارکت در قدرت را پیدا کرده‌اند.

در حال حاضر جامعه مدنی ایران دارای سه جنبش مهم و تأثیرگذار است: جنبش دانشجویی، جنبش زنان و جنبش حقوق بشر.

نقش جنبش دانشجویی در پیروزی انقلاب انکارناپذیر است. پس از پیروزی انقلاب و به ویژه در دوران جنگ این جنبش به حمایت از انقلاب و پاسداری از دست‌آوردهای آن پرداخت. از یک دهه گذشته به بعد جنبش دانشجویی بحالت اعتراضی به خود گرفته است. اولین حرکت اعتراضی در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ در قالب تظاهرات علیه توقیف روزنامه سلام و نیز اعتراض به طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس پنجم صورت گرفت. پس از آن تا مدت کوتاهی جنبش دانشجویی به حالت انفعال سیاسی درآمد. تا این که از نیمه دوم خرداد ماه ۱۳۸۲ حرکت‌های دانشجویی بعد وسیع‌تری به خود گرفت و در جریان انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۸۸ نقش مهمی ایفا کرد.

علاوه بر جنبش دانشجویی، دو جنبش دیگر نیز در سال‌های اخیر در ایران شکل‌گیری است: جنبش زنان و جنبش حقوق بشر. جنبش زنان در ایران بیشتر در پی دستیابی به حقوق برابر زنان با مردان در مواردی چون حق طلاق، حقوق برابر ارث، اصلاح سن ازدواج، حق حضانت فرزندان برای مادران و حق دینه، حق تحصیل و اشتغال و سایر موارد مشابه است. جنبش حقوق بشر علاوه بر حقوق زنان به دنبال دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و اقلیت‌های قومی و قبیله‌ای و مذهبی است. هر دو جنبش در نوع مبارزه با روش مدنی و در قالب نهادهای مدنی در چهارچوب قوانین کشور با یکدیگر اشتراک دارند.

## لایه دوم سطح علت‌های اجتماعی

در سطح علت‌های اجتماعی به بررسی موانع موجود بر سر راه شکل‌گیری جامعه مدنی در ایران می‌پردازیم. موانع موجود را می‌توان در سه بخش خرد، میانی، کلان مورد ارزیابی قرار داد. چرا که این موانع رشد را نمی‌توان به صورت تک بعدی مورد بررسی قرار داد.

### الف) در سطح کلان:

در این سطح می‌توان به ساختار قدرت، دولت‌های رانت، پوپولیستی بودن دولت، بوروکراسی، اقتصاد و سیاست بین الملل اشاره کرد. قدرت سیاسی متمرکز و افزایش کنترل حکومت بر منابع قدرت، اعم از منابع اجبارآمیز و غیراجبارآمیز قدرت، احتمال تحقق و نهادمندی جامعه مدنی را کاهش می‌دهد. در طول تاریخ ایران و به ویژه تاریخ معاصر همواره قدرت سیاسی حاکم میل به تمرکز داشته و تمرکز قدرت سیاسی با عامل مزاحمی به نام جامعه مدنی همراه بوده است. بنابراین قدرت‌های حاکم به سمت مقابله و از بین بردن جامعه مدنی همواره حرکت کرده اند. اما باید گفت که امکان از بین بردن جامعه مدنی، اگر نگوییم غیرممکن، ولی دشوار است. در شرایط امروز نیز فضای سیاسی به سمت



تمرکز بیشتر قدرت در حال حرکت است که این خود مانع بزرگی بر سر راه گسترش جامعه مدنی می باشد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۶۹۳).

ایدئولوژی های حاکم: در طول تاریخ معاصر ایران، اساساً ایدئولوژی های حاکم در تقابل با بسط جامعه مدنی بوده اند. اگر سه گفتمان یا ایدئولوژی پاتریمونیالیسم سنتی، مدرنیسم و سنت گرایی را سه گفتمان حاکم بر ساختار قدرت در ایران معاصر بدانیم باید بگوییم که این ایدئولوژی ها به هیچ وجه جامعه مدنی را به درون خود راه نمی دهد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۶۹۳).

دولت رانیترو: دولت رانیترو، دولت هایی هستند که پیوسته مقادیر عظیمی از رانت خارجی را دریافت می کنند که حکومت ها یا مؤسسات خارجی پرداخت کننده آن هستند. این دولت ها را می توان با چهار ویژگی بازشناسی کرد: ۱) از آنجا که تمام اقتصادها و دولت ها دارای برخی مشخصه های رانتی هستند، از این رو دولتی را دولت رانیترو می نامیم که رانت قسمت عمده درآمد دولت را تشکیل دهد. ۲) را باید منشأ خارجی داشته باشد یعنی هیچ گونه ارتباطی با فرایندهای تولیدی در اقتصاد داخلی نداشته باشد. ۳) در یک دولت رانیترو فقط درصد بسیار ناچیزی از نیروی کار مشغول تولید رانت بوده و بنابراین اکثریت جامعه توزیع کننده یا دریافت کننده رانت می باشند و ۴) دولت رانیترو به تنهایی رانت را دریافت و آن را هزینه می کنند.

حال با توجه به ویژگی های دولت رانیترو مشخص است که حکومت ایران به خصوص در نیم قرن اخیر یک دولت رانیترو بوده است. بسیاری از صاحب نظران وجود چنین دولتی را یک عامل عدم رشد جامعه مدنی ذکر می کنند (حاجی یوسفی، ۱۳۷۶: ۷۷-۷۶).

البته برخی دیگر از صاحب نظران نیز معتقدند این دولت در صورت وقوع بحران های مالی راه را به سمت گسترش جامعه مدنی باز خواهد گشود (عظیمی، ۱۳۸۷: ۳۴).

#### ب) سطح میانی

در این سطح چالش های پیش روی جامعه مدنی را می توان ناشی از نا کارآمدی احزاب سیاسی، نخبگان سیاسی، توسعه نیافتگی سازمان های غیر دولتی، و در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی یاد کرد. سقوط سرمایه اجتماعی در ایران امروزه به عنوان یک مانع بسیار مهم پیش روی جامعه مدنی یاد کرد.

#### ج) سطح خرد

در سطح خرد می توان به فرهنگ سیاسی، ناقص بودن روند جامعه پذیری سیاسی، مشکلات هویتی، فرد گرایی منفی و موارد دیگر عنوان نمود. به عنوان مثال فرهنگ سیاسی مدنی در ایران حضور چندانی ندارد. روحیات ایرانی در طول تاریخ میل به تفرد و عدم همکاری و عدم اعتماد داشته و این امر خود را در سطح فرهنگ سیاسی نیز نشان داده است (ازغندی، ۱۳۷۶: ۴۵).

در سالیان اخیر نیز شکل گیری نوعی بحران هویت و افزایش فردگرایی افراطی منفی باعث تداوم این فرهنگی غیرمدنی شده است. بدین علت مدنی نبودن فرهنگ سیاسی به روند جامعه پذیری در جامعه بر می گردد، چرا که روند اجتماعی شدن در ایران به طور ناقص انجام می شود و افراد تربیت و پرورش مدنی پیدا می کنند تا بتوانند به اعضای موثری از نهادهای مدنی تبدیل شوند.

### لایه سوم لایه گفتمان ها و جهان بینی

به طور کلی میان اندیشمندان ایرانی سه گفتمان درباره جامعه مدنی مطرح است:

۱- سنت گرایی دینی

۲- نوگرایی دینی

۳- نگاه جامعه شناسی

نگاه سنت گرایی به جمع میان جامعه دینی و جامعه مدنی اساسا سلبی است. بر اساس این دیدگاه شاخص های اندیشه جامعه مدنی که عبارت هستند از: فردگرایی، سود انگاری، عرفی گرایی، عقلانیت ابزاری، تکثر گرایی، شکاکیت اخلاقی، ضدیت با دین و لیبرالیسم است، نقطه مقابل دین گرایی قرار خواهد گرفت. بر اساس این دیدگاه جامعه مدنی در غرب برآیند و نتیجه یک فرآیند سیاسی و اقتصادی خاص نیست، بلکه حاصل تکامل تاریخی نظریه پردازی های متنوعی است که به رغم اختلاف نگرش ها در چند اصل ریشه ای و بنیادی که ریشه در نظریه لیبرالیسم دارد مشترک هستند. حجت الاسلام صادق لاریجانی، از روحانیون طرفدار این رویکرد در این باره می نویسد: اندیشه لیبرالیسم این است که هر قانون غیر اخلاقی اگر مورد رضایت عمومی باشد، مجاز و قابل اجرا است و دولت موظف به تبیین اجرای آن است.

چون دولت مبنایی برای تعیین صواب و خطا و توصیه و تجویز ندارد، کارش فقط حفظ آزادی ها است اگر مردم خود اختیار کردند که سقط جنین آزاد باشد، همجنس بازی مجاز باشد...، دولت [لیبرالی] باید به این امور تن در دهد و قوانین خود را با آن ها منطبق سازد» (لاریجانی، ۱۳۷۶: ۲۲۰).

آیت الله واعظ طوسی در این باره می گوید: «بزرگ ترین تفاوت جامعه مدنی، با ولایی این است که در جامعه ولایی، تعهد، مسئولیت و خوف از خدا است و منافع شخصی مطرح نیست و مسئولیت پذیری برای رسیدن به سود شخصی نیست، در حالی که در جامعه مدنی، درست عکس این مسائل مطرح است» (واعظ طوسی، ۱۳۷۶: ۸)

نوگرایی دینی، تضاد میان جامعه دینی و جامعه مدنی را رد می کند و بر این باور است که در واقع، جامعه مدنی یک شیوه و یک مقوله روش شناختی است، اما جامعه دینی مقوله ای ایدئولوژیک است.

به تعبیر دیگر، دین برای جامعه، ایدئولوژی یا منبع و مأخذ حقیقی و ارزش است و حال آن که مدنیت برای جامعه نوعی روش شناسی همزیستی به شمار می‌آید. می‌توان جامعه مدنی را، به عنوان روشی در خدمت جامعه دینی، به مثابه جامعه ای ایدئولوژیک قرار داد و بدین ترتیب، تنوع و تکثر را در قرآنتهای دینی به رسمیت شناخت. در این صورت جامعه مدنی، جامعه مدنی دینی است. از جمله صاحب‌نظران این گروه، محمد مجتهد شبستری است. شبستری بدون اینکه تعریفی از جامعه مدنی ارائه دهد، درباره رابطه جامعه مدنی با دین معتقد است این رابطه بستگی به دو نوع فهم از دین دارد: در فهم اول از دین، خدا وظیفه تنظیم امور دنیوی را به عهده خود انسان گذاشته است و انسان به واسطه عقل خود از عهده حل مشکلات روزمره زندگی بدون کمک یک نیروی مافوق طبیعی بر می‌آید بر اساس درک دوم از دین، عقل انسان برای حل مشکلات زندگی بشر کافی نیست و انسان برای رفع مشکلات خود نیازمند بهره برداری از کتاب آسمانی و سنت پیامبران الهی است.

عبدالکریم سروش، یکی دیگر از روشنفکران دینی نوگرا، جامعه مدنی را مترادف با "جامعه سیاسی" و در مقابل "جامعه بدوی" به گونه زیر تعریف می‌کند جامعه مدنی یا جامعه سیاسی در مقابل جامعه بدوی قرار می‌گیرد، که جامعه ای است بدون حکومت و بدون قانون، که در آن تفکیک‌قوا صورت پذیرفته و هرکس خود را مجاز می‌داند که دیگری را مطابق معیارهای خود ساخته، محکوم و مجازات کند. بر حسب این که جامعه بدوی را واجد یا فاقد چه خصلتی بدانیم، جامعه مدنی را واجد یا فاقد نقیض آن خواهیم دانست (سروش، ۱۳۷۶: ۱۶).

طیف سوم یعنی قائلان به دیدگاه جامعه شناسی فارغ از مناقشات فکری سنت گرایی و نوگرایی عمدتاً توجه خود را به جمع میان جامعه دینی و مدنی معطوف کرده اند. آن‌ها اساساً شکل‌گیری جامعه مدنی را بخش جدا نشدنی فرآیند مدرنیته می‌دانند که همه جوامع و در کنار آن جوامع اسلامی هم باید آن را بپذیرند. روشنفکران متأثر از نظریات متفکران لیبرال دموکراسی در غرب در جست و جوی شناخت نظری جامعه مدنی و ترسیم مدلی بومی از آن با ویژگی‌های فرهنگ ایرانی هستند. فرق این گروه از روشنفکران با روشنفکران دینی در این است که در مباحث خود درباره رابطه دین و جامعه مدنی بحث نمی‌کنند معرفی و تحلیل اجزاء و مؤلفه های جامعه مدنی، شناخت موانع تحقق جامعه مدنی در ایران و جست و جوی راه حل‌هایی برای رفع آن‌ها از موضوعات محوری مباحث این گروه را تشکیل می‌دهند. بخش دیگری از قائلان به دیدگاه عرفی، عموماً از منظر جامعه شناسی سیاسی و اقتصاد سیاسی به مقوله جامعه مدنی نگریسته اند. از منظر جامعه شناسی سیاسی، به طور کلی گرایش به تضعیف وجوه اقتدارگرایانه و ایدئولوژیک دولت و تقویت وجه اجتماعی و مدنی آن کاملاً بدیهی است.

البته خود مفهوم جامعه مدنی هم در طول تاریخ، تحولات عمده و معانی مختلفی پیدا کرده است. معنای اخیری که اغلب از آن استفاده می‌شود، تضعیف اقتدار دولتها و تضعیف ایدئولوژیهای کلان نگر است. وقتی ایدئولوژی دچار بحران شود و بحران مشروعیت گسترش پیدا کند، در آن صورت گرایش به جامعه مدنی اجتناب ناپذیر خواهد بود. به طور خلاصه، میان ایدئولوژی و اقتدارگرایی دولت از یک سو، و گسترش حوزه عمومی و جامعه مدنی از سوی دیگر، همواره تعارض وجود دارد و تحولاتی که اخیراً به بحران و تضعیف وجوه ایدئولوژیک و اقتدارگرایانه دولتها انجامیده، مجال بیشتری برای حوزه عمومی و جامعه مدنی پدید آورده است. از منظر اقتصاد سیاسی، پیدایش جامعه مدنی پیامد دگرگونی‌هایی است که در مناسبات اجتماعی و منافع و توزیع ثروت اجتماعی پدید آمده است که خود از پیشرفت نیروهای تولیدی جامعه و روابط تولیدی تبعیت می‌کند.

مسعود پدرام، یکی از صاحب‌نظران این گروه، جامعه مدنی را فضایی میان جامعه و دولت تعریف می‌کند که بر لیبرالیسم و تکثرگرایی استوار است و با شاخص‌های چون اصالت عقل خودبنیاد، علم مدرن، سکولاریسم و پیشرفت و توسعه مشخص می‌شود (پدرام، ۱۳۸۱: ۶). پدرام در مقاله دموکراسی اصیل؛ گفت و گو در عرصه عمومی به نظر پدرام، مهم‌ترین مانع ساختاری - تاریخی تحقق فضای عمومی در ایران، از نظر سیاسی، بزرگ‌بودن دولت و از نظر فرهنگ سیاسی، روحیه "خودکامگی" "اقتدارگرایی" فرد ایرانی است. متأثر از نظریه "دموکراسی گفت و گویی" هابرماس، ضمن پذیرش "گفت و گو در عرصه عمومی" به عنوان شالوده اساسی یک دموکراسی پایدار، به بررسی موانع اساسی تحقق آن در ایران می‌پردازد.

مولفه‌های جامعه مدنی در سه گفتمان
جامعه مدنی در برابر جامعه سنتی (پیمان، اشکوری، کدیور، سروش)
حوزه مستقل از دولت (کدیور، سروش و...)
تشکیل یافته از سازمان‌های غیر دولتی، افکار عمومی و احزاب سیاسی (پیمان، کدیور، سروش)
مولفه‌ها: قانون مند و قانون گرا (خاتمی، اشکوری، سروش) حقوق شهروندی (خاتمی و اشکوری) خرد جمعی (اشکوری، پیمان، شبستری) استقلال از دولت (سروش، اشکوری، کدیور) تکثر گرا (سروش، اشکوری، خاتمی)
کارکردها: گفت گوی عمومی (پیمان، پدرام) نظارت بر دولت (سروش، کدیور) شکل‌گیری افکار عمومی (پیمان) مشارکت اجتماعی و سیاسی (پیمان، اشکوری) توزیع عادلانه ثروت و قدرت (اشکوری)
جلوگیری از نخبه‌گرایی (اشکوری) پاسداری از ارزش‌های اجتماعی و دینی (اشکوری، پیمان)

## سطح چهارم استعاره ها و اسطوره ها

امروز در عرصه عمومی ایران معمولاً مراد از جامعه مدنی بیشتر فضایی از جامعه است که نهادها و تشکل های مستقل از دولت در آن فعالند؛ جامعه مدنی در جامعه، سپری در برابر تعديات دولت فرض می شود؛ و شهروندان می توانند در این فضا خود را سامان دهند. اما با مروری به ادبیات این موضوع در جامعه شناسی حداقل می توان چهار استعاره برای جامعه مدنی در نظر گرفت. برای توضیح ساده تر موضوع، ابتدا جامعه را یک هرم در نظر می گیرم. هرمی که سه بخش دارد؛ یکی بخش بالا (که دولت، گروه ها، تشکل ها، محافل و شخصیت های سیاسی را دربرمی گیرد)، دیگری حوزه میانی (یا حوزه یی که گروه ها، تشکل ها، محافل و شخصیت های مستقل از دولت را شامل می شود) و بالاخره بخش پایین (یا حوزه یی که زندگی روزمره مردم، با تمام ویژگی های متنوعش در آن در جریان دارد). اینک باید ببینیم هریک از این چهار معنای جامعه مدنی چه تصویری از سه بخش جامعه ارائه می دهند.

### ۱- جامعه مدنی از منظر لیبرالیسم

در معنای اول، جامعه مدنی به فضای وسیعی که در آن خودشکوفایی افراد رخ می دهد گفته می شود. در این معنا جامعه مدنی فضایی عمومی است که از افراد مستقل و صاحب حقوق (و تکلیف) تشکیل شده است که امکان رشد استعدادهای انسانی برای آنها فراهم است. افراد در این جامعه آزادند (البته به شرطی که آزارشان به دیگری نرسد) تا در زمینه های علمی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فعالیت کنند و خود را پرورش دهند. در این جامعه اصل با فضای عمومی مستقل از دولت و مستقل از حوزه خصوصی (یعنی حوزه روابط بین شخصی، خانوادگی و عقیدتی مذهبی) است. در این معنا دولت ساخته اراده شهروندان است و تنها وظیفه دارد امنیت افراد را در جامعه برقرار کند تا فضای عمومی به فضای هرج و مرج و بروز رفتارهای غیرمدنی (یعنی رفتارهای ضددیگری در فضای عمومی) تبدیل نشود. در این دیدگاه، اگرچه دولت یا بخش بالای جامعه برای برقراری امنیت طبق قوانین (که البته در این قوانین حقوق اساسی افراد در فضای عمومی ملحوظ شده) از روی اضطرار اعمال قدرت می کند، ولی بخش میانه جامعه دربرگیرنده فضای مدنی است و این بخش وسیع ترین بخش جامعه را تشکیل می دهد. در بخش میانی جامعه، نوع رفتارهای عقلانی معطوف به ارزش های مدنی (یعنی ارزش هایی چون احترام به انسانیت افراد، احترام به دیگری، احترام به توافقات و قانون، مشارکت فعال برای کاستن از دردهای هموعان و افزودن بر شادی آنان، پاسخگو خواستن دولت، مخالفت با تعصبات فردی و جمعی) بر سایر رفتارها غلبه دارد. این معنا از جامعه مدنی ریشه در اندیشه متفکران لیبرال عصر روشنگری دارد که بهترین مفسران آن منتسکیو و توکویل هستند.

## ۲- جامعه مدنی از منظر محافظه کاری

جامعه مدنی به معنای حوزه عمومی نیست. اگر در معنای اول، جامعه مدنی به قلمروی عمومی و آزاد جامعه (منهای قلمرو دولت و خانواده) گفته می‌شود، در این معنا جامعه مدنی ترکیبی از بخش پایین و میانی است. بدین معنا که جامعه مدنی حوزه بی‌وسیع‌تر از خانواده است از این رو در این تعبیر بزرگ‌ترین بخش هرم جامعه و فضای عمومی آن، بخش دولت است. ریشه‌های معنای دوم از جامعه مدنی به آرای متفکرانی چون هگل بازمی‌گردد. اگر بخواهیم از تعابیر او استفاده کنیم، در جامعه خانواده نهاد (Thesis) است و در برابر این نهاد و نارسایی‌های آن، جامعه مدنی به عنوان برابر نهاد (Antithesis) قرار دارد. خانواده و جامعه مدنی هر دو تا حدودی عقلانی‌اند زیرا هر دو واقعی‌اند (و از نظر هگل هر چه واقعی است عقلانی است) ولی تنها دولت است که همچون سنتزی یا هم‌نهادی (Synthesis) بر فراز هر دو قرار می‌گیرد و این دولت است که شرایط کامل زندگی عقلایی و آزادی واقعی را فراهم می‌آورد. بنابراین، آزادی و خودآگاهی واقعی افراد در حوزه پیوند آنان با دولت تحقق می‌پذیرد.

## ۳- جامعه مدنی از منظر اندیشه چپ قدیم

معنای سوم معنای مارکسیستی از جامعه مدنی است. در این معنا جامعه مدنی بیش از اینکه عرصه آزادی، انسانیت و مدنیت (و دگرخواهی) باشد، عرصه خودخواهی‌ها و رقابت بر سر منافع مادی و طبقاتی است. به بیان دیگر هر سه بخش جامعه مدرن (یا صنعتی) زیر نفوذ و سلطه بورژواها است و حوزه عمومی در واقع حوزه بورژوازی است و قسمت عمده بخش پایین جامعه، بخش محذوف جامعه را (مانند لشکر بیکاران و کارگران غوطه‌ور در مشکلات خود) تشکیل می‌دهد. غلبه رفتارهای معطوف به سود و غلبه روابط کالایی در چنین جامعه‌ی مانع خودشکوفایی و رشد استعدادهای افراد، خصوصاً حجم عظیمی از افراد محذوف جامعه، است و خبری از مدنیت، آزادی و برابری در میان افراد انسانی نیست. لذا آزادیبخشی و رهایی افراد در جامعه به میزان خودآگاهی، سازماندهی و مبارزه افراد محذوف در بخش پایین جامعه (در برابر اقشار بانفوذ جامعه در بخش میانه و بالا) بستگی دارد. به بیان دیگر جامعه مدنی واقعی، در جامعه مدرن بورژوازی، محقق نمی‌شود، بلکه در آینده و در جامعه بی‌طبقه و بی‌دولت و بدون رقابت مادی یعنی در جامعه موعود کمونیستی عینیت می‌یابد. از نظر مارکس تکوین جامعه کمونیستی با گذر از جامعه سوسیالیستی تحقق می‌یابد. جامعه سوسیالیستی هم جامعه‌ی بی‌است که در آن اقشار محذوف در بخش پایینی جامعه با مبارزات خود این امکان را پیدا کرده‌اند که بورژواها را در بخش بالای جامعه شکست بدهند و خود بر بخش بالا و دولت مسلط شوند. در چنین حالتی با اعمال مدیریت دولتی و جمعی و اجرای برنامه‌های اشتراکی و لغو مالکیت خصوصی و فرسایش طبقات بورژوازی، امکان ظهور جامعه کمونیستی فراهم می‌شود.

#### ۴ - جامعه مدنی از منظر اندیشه چپ جدید

جامعه مدنی به معنای عرصه‌ی بی‌است که در آن هژمونی (یا سیادت و استیلا) در جامعه تکوین می‌یابد. این معنا بیشتر مبتنی بر آرای گرامشی است. از نظر او اگر دولت بتواند با بخش میانی جامعه (یعنی با تشکل‌ها و سازمان‌های آموزشی، رسانه، مذهبی، فراغتی و معیشتی) به لحاظ فکری و ایدئولوژیک ادغام و یکپارچه شود، هژمونی و سیادت دولت (یا استیلای دولتی - جامعه‌ی) می‌تواند سراسر جامعه را دربر گیرد. اما اگر نیروهای محذوف جامعه بتوانند به لحاظ ایدئولوژیک با بخش میانی جامعه ادغام و یکپارچه شوند، هژمونی و سیادت انقلابی جامعه سراسر جامعه را دربر می‌گیرد و دولت را مضمحل می‌کند. به بیان دیگر در نظر گرامشی جامعه مدنی ابزار اساسی هژمونی و سیادت است و هم می‌تواند در خدمت دولت و هم در خدمت انقلاب قرار گیرد.

و اما در کنار این مفهوم، مفهوم دیگری به عنوان جامعه مدنی مدینه النبی هم به ویژه از دوران اصلاحات و در گفتمان سید محمد خاتمی یاد کرد که به نظر میرسد به عنوان یک مدینه فاضله و یک اسطوره بیشتر مطرح است تا واقعیت عینی برای آن.

خاتمی در دوران ریاست جمهوری خود جامعه مدنی را همان مدینه النبی معرفی کرده است. برخی معتقدند او این تعبیر را برای متقاعد کردن اصولگرایان از حسن نیت خویش بکار برد. دو رویکرد می‌توان در تفسیر جامعه مدنی همچون مدینه النبی داشت. اگر از موضع رادیکال بخواهیم نظر خاتمی را تحلیل کنیم (رویکرد رایج در مورد این تعبیر خاتمی در میان روشنفکران ایران) احتمالاً فرمول جامعه مدنی همچون مدینه النبی را یاوه و متناقض خواهیم یافت. اما به اعتقاد نگارنده رویکردی دومی هم به این مفهوم ممکن است.

شاید بتوانیم بگوییم خاتمی در فرمول جامعه مدنی همچون مدینه النبی مفهومی مشابه مفهوم حسن حنفی از جامعه مدنی مد نظرش بوده است. حسن حنفی یک روشنفکر دینی است و در اینجا مشخصاً مقاله مفاهیم جایگزین برای جامعه مدنی: یک رویکردی اسلامی متالهانه او مورد نظر نگارنده است. در آن مقاله حنفی مفهومی از جامعه مدنی ارائه می‌دهد که غیر لیبرال و غیرسکولار است، ولی نامعقول و بنیادگرا هم نیست. حنفی تاکید می‌کند که مفهوم اسلامی او از جامعه مدنی در میان بنیادگرایی (که اصولاً مفهوم جامعه مدنی را مفهومی غربی و اساساً باطل می‌داند)، و مفهوم جهانشمول (ضد مذهبی و غربی از جامعه مدنی (که مورد حمایت روشنفکران لائیک است) قرار می‌گیرد.

حنفی معتقد است که اسلام کلاسیک شامل مفاهیمی است که این پتانسیل را دارند که نیازهای مدرن انسان امروزی را در خود انعکاس دهد. ناهماهنگی میان اسلام سنتی و پاره‌ای از مفاهیم مدرن از طریق اجتهاد پویا در اسلام قابل رفع و رجوع است. حکومت اسلامی حکومتی که فقط در پی

اجرای قانون جزایی اسلام، یا برقراری مناسک شرعی در جامعه باشد نیست؛ حکومت اسلامی باید به اهداف شریعت (مقاصدالشریعه) در قانونگذاری توجه داشته باشد. حکومتی که در پی اجرای مقاصد و اهداف شریعت است، تمام نهادهای مرتبط با جامعه مدنی غربی را کپی برداری نمی کند، با اینحال بسیاری از ارزشهای مرتبط با جامعه مدنی غربی را مراقبت می کند. جامعه مدنی گرچه راه حل تمام مشکلات حکومت و جامعه نیست، اگر به شکلی درست برقرار باشد موجب توزیع قدرت در سیاست، حفظ استقلال نهادهای دینی، و حفاظت از بخش زیادی از آزادیهای فردی انسانها می شود. جامعه مدنی در واقع مانعی در برابر استبداد و دیکتاتوری است. در بساخت چنین مفهومی از جامعه مدنی حنفی معتقد است که اسلام می تواند از غرب بیاموزد، همانگونه که غرب می تواند از اسلام بیاموزد. فرهنگ سنتی اسلام تکلیف محور است و به حق بهای اندکی می دهد، در حالیکه فرهنگ غربی مدرن حق محور است و به تکلیف بهای اندکی می دهد (Hanafi, ۲۰۰۲, ۱۷۱-۱۸۷).

در هردو فرهنگ نوعی عدم توازن میان حق و تکلیف (حق انسان و تکلیف در برابر خدا) وجود دارد و مفهوم اسلامی و تجددخواهانه حنفی از جامعه مدنی در پی برطرف کردن این نقیصه است. در سخنان خاتمی در دوران هشت ساله اصلاحات و بعد از آن شواهد متعددی وجود دارند که بر اساس آنها می توان تصور کرد خاتمی به چنین مفهومی از جامعه مدنی گرایش دارد. این الگو از جامعه مدنی را می توان بخشی از امری دانست که خاتمی "مردم سالاری دینی" نام می نهد. جامعه مدینه که به کوشش پیامبر اسلام (ص) پدید آمد، آن چنان با پیشینه خود و نیز با آن چه در ذهنیت مردمان وجود داشت، متفاوت شده بود که اطلاق مدینه فاضله بر آن چندان دور از واقعیت نمی نمود؛ جامعه ای مبتنی بر ارزش های متعالی و دارای شاخصه های پیشرفت؛ چون امنیت، فرهنگ، نظم و آزادی که حرکت شتاب آلود آن تا سالیان دراز هم چنان بود و زمان زیادی گذشت تا خمودی و سستی در آن راه یابد. این پیشرفت، نتیجه و حاصل آموزه های وحیانی، کنش های نبوی و تربیت متعالی نبی مکرم اسلام (ص) بود که با کوشاورد دست پروردگانش به سرعت به بار نشست و با گسترش همه جانبه توانست تمامی ابعاد زندگی مردم را، از نظر آرامشی و آسایشی (فرهنگ و تمدن) در بر گیرد. شهر یشرب که با هجرت پیامبر به آن جا، نام مدینه النبی به خود گرفت، پیش از این در چالشی جدی با اصول ارزشی و مدنی، در مسیر انحطاط قرار داشت و از حداقل سازمان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بهره مند بود، اما در پی اقدامات پیامبر (ص) تحولی بنیادین یافت و در اندک زمانی دچار تحولی ژرف و اساسی شد؛ شکل گیری حکومت، تدوین قانون اساسی، تحقق زمینه برادری و برابری و در یک کلمه، پیدایی امکان اراده گری و نیز فرصت بهره مندی همگان از حقوق انسانی، همراه با شناخت وظایف و تکالیف ضروری. بدین گونه مدینه توانست به عنوان شهری اسلامی، نماد جامعه پیشرفته قلمداد گردد.



## بررسی سناریوهای محتمل، ممکن، مطلوب

به طور کلی می‌توانیم چهار چهره مختلف را برای جامعه مدنی در ایران معرفی کنیم: چهره تکنیکی و ابزاری که می‌توانیم آن را در سازمان‌های خیریه، بهداشتی و درمانی دید این وجه از جامعه مدنی قدمت تاریخی برخوردار است و مهم‌ترین مشخصه آن بی‌تفاوتی سیاسی و سیاست‌گریزی است. دومین چهره از جامعه مدنی را می‌توان جامعه مدنی به‌مثابه ابزار زور و سلطه بدانیم. منظور جامعه مدنی که توسط موسسات و دستگاه‌های دولتی ساخته می‌شود. سومین چهره جامعه مدنی سنتی و بسته است و بعد از آن وجه‌رهایی بخش جامعه مدنی به‌مثابه یک نیروی اجتماعی و حاصل تغییر برای ایجاد جامعه مدنی مبتنی بر عدالت و بدون تبعیض و خشونت نگریسته شود. با توجه به این تیپولوژی از جامعه مدنی و اینکه جامعه مدنی راه بسیار سخت و پر از آزمون و خطا را در طول تاریخ پیموده است می‌توان بگوییم با عنایت به پیشران‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی شکل گرفته، بیش از هر زمان دیگری میتوانیم به شکل‌گیری جامعه مدنی در ایران امیدوار باشیم. جامعه مدنی زمانی می‌تواند به‌عنوان یک بازیگر مهم در عرصه سیاست و اجتماع باشد که از یک جامعه مدنی ضعیف به یک جامعه مدنی قوی تبدیل شود یعنی از جامعه مدنی در خود، تبدیل به جامعه مدنی بر خود بشود بدین معنی که از نقش و جایگاه خودش آگاه باشد.

## سناریوی ممکن

یکی از سناریوهای مطرح شده در مورد جامعه مدنی که تا حدودی نیز بدبینانه است ادامه وضعیت موجود است. در این شرایط تنها شاهد جایی چند مهره بدون تغییر سیاست‌ها خواهیم بود. احتمالی دیگری نیز که در این زمینه وجود دارد بازگشت دوباره به حاکمیت دوگانه است؛ وضعیتی که در دوره اصلاحات و دوم خرداد به وجود آمد و مراکز قدرت مانع از پیشبرد برنامه‌های توسعه جامعه مدنی شدند. در صورت تحقق این سناریو که احتمال آن هم کم نیست، همان موانعی که در دولت هشت ساله آقای خاتمی به وجود آمد با شدت بیشتری تکرار می‌شود.

## سناریوی محتمل

شکل‌گیری و فعالیت جامعه مدنی در ایران تابع دو عنصر اصلی است (۱) شرایط سیاسی و اقتصادی (۲) بازیگران عرصه مدنی  
با تجربه و تحلیل جامعه و ساختار دولت در ایران و با توجه به شرایط به وجود آمده یکی از سناریوهای محتمل در ایران شکل‌گیری یک دولت اقتدار‌گرای بوروکراتیک است که اولویت اول را

بر توسعه اقتصادی قرار دهد و توسعه سیاسی و اجتماعی را به آینده موکول کند. معمولاً این دولت‌ها سعی می‌کنند با این منطق فضای سیاسی و اجتماعی را کنترل کنند و یا به نحوی نیاز به باز شدن فضای اجتماعی را به تعویق بیندازند. اگر این سناریو در ایران شکل بگیرد جامعه مدنی دو وضعیت خواهد داشت ضعیف و مستقل و دیگری جامعه مدنی قوی و غیر مستقل. به نظر می‌رسد که امکان تحقق این سناریو با توجه به شرایط موجود در جامعه و شرایط بین‌المللی بسیار می‌تواند وجود داشته باشد. یکی از عوامل زمینه‌ساز این موضوع بحث مسئله هسته‌ای و تحریم‌ها است. اگر نگاه خوش‌بینانه به حل موضوع هسته‌ای و شکل‌گیری برجسته‌اش باشیم به نظر می‌رسد رفع تحریم‌ها زمینه را برای بهتر شدن شرایط اقتصادی و به تبع آن شرایط بهتر برای فعالیت سازمان‌های مدنی را فراهم آورد.

### سناریو آینده مطلوب

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در بحث جامعه مدنی در ایران مطرح می‌شود این است که جامعه مدنی برخاسته از فرآیند تحولات فرهنگی و تاریخی غرب است و این شرایط از نظرمه‌های و ساختاری با جوامع دیگر به ویژه جوامع اسلامی بسیار متفاوت است. بنابراین اگر بخواهیم جامعه مدنی با وجه‌هایی بخش و عقلانی در جامعه شکل بگیرد باید به شرایط سیاسی و اقتصادی و به ویژه اجتماعی و فرهنگی عنایت ویژه کرد. در سناریوی قبل درباره وضعیت سیاسی و اقتصادی بحث شد اما به نظر می‌رسد با توجه به حاکم بودن تا حدود زیادی فرهنگ سیاسی غیر مدنی در جامعه ایران و با توجه به عنصر فرهنگ دینی و نقش غیر قابل انکار مذهب به ویژه بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران نمیتوان ساده از کنار آن گذشت. پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان یک شگفتی‌ساز نقش بسیار مهمی را در این زمینه ایفا نمود که دین و فرهنگ مذهبی منبع و سنگ بنای بسیاری از تحولات سیاسی و اقتصادی باشد.

شکل‌گیری جامعه مدنی بدون توجه به فرهنگ به ویژه فرهنگ اسلامی حاکم بر جامعه امکان‌پذیر نیست. می‌توان چندین نوع از جامعه مدنی را در آینده مطرح کرد

- ۱- جامعه مدنی با توجه به مولفه‌های فرهنگ غربی
  - ۲- جامعه مدنی مبتنی بر فرهنگ بومی - ایرانی
  - ۳- جامعه مدنی مبتنی بر فرهنگ اسلامی
  - ۴- جامعه مدنی مبتنی بر جمع مولفه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی
- همانطور که ذکر آن رفت سه دیدگاه در جامعه ایران پیرامون جامعه مدنی وجود دارد:
- ۱- سنت‌گرایی دینی

۲- نوگرایی دینی

۳- نگاه جامعه شناسانه

در این میان به نظر میرسد نگاه نوگرایی دینی که، تضاد میان جامعه دینی و جامعه مدنی را رد می‌کند و بر این باور است که در واقع، جامعه مدنی یک شیوه و یک مقوله روش شناختی است، اما جامعه دینی مقوله ای ایدئولوژیک است. به تعبیر دیگر، دین برای جامعه، ایدئولوژی یا منبع و مأخذ حقیقی و ارزش است و حال آن که مدنیت برای جامعه نوعی روش شناسی همزیستی به شمار می‌آید. می‌توان جامعه مدنی را، به عنوان روشی در خدمت جامعه دینی، به مثابه جامعه ای ایدئولوژیک قرار داد و بدین ترتیب، تنوع و تکثر را در قرائتهای دینی به رسمیت شناخت. در این صورت جامعه مدنی، جامعه مدنی دینی است.

با عنایت به اینکه دین و فرهنگ اسلامی نقش بسیار مهمی در جامعه ایران دارد به نظر میرسد تحقق آرمان شکل گیری جامعه مدینه النبی که دارای مولفهای جامعه مدنی رهایی بخش از جمله حاکمیت قانون، حقوق شهروندی، عدالت، پاسخگو بودن، اعتماد و... می‌تواند به عنوان یک آینده مطلوب در مورد جامعه مدنی در ایران قرار بگیرد.

## نتیجه گیری:

انقلاب مشروطیت و رویدادهای آن، سرآغاز تاریخ نوین ایران است. در فاصله سال‌های میان این رویداد تا اکنون، جامعه ما از هر لحاظ دگرگون گشته است. این دگرگونی عمیق اجتماعی آثاری تناقض‌گون در جامعه برای دستیابی به جامعه مدنی به بار آورده است. از یک سو، زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری جامعه مدنی را فراهم آورده؛ از سوی دیگر موانع رشد آنرا افزون‌تر نموده است. جامعه ایران در یک صد سال گذشته در معرض رشد فزاینده برنامه‌های نوسازی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده است و از منظر فرآیندهای نوسازی جامعه‌ی مدرن است. اما اگر از منظر منظومه‌ای جامعه مدنی به جامعه ایران نگاه کنیم نشان می‌دهد که بخش مدنی در جامعه غلبه ندارد بلکه بسیار نحیف است. هر چند در مقاطعی از تاریخ پر فراز و نشیب ایران شاهد رشد و گسترش نهادهای مدنی بسیاری بوده ایم اما هرگز شاهد شکل‌گیری جامعه مدنی قوی و کارآمد که رسالت اصلی خود در رسیدن به توسعه سیاسی و دموکراسی انجام دهد را ندیده ایم. اما ادامه این روند با توجه به پیشران‌ها و تغییرات که در جامعه ایران شکل گرفته است و در این پژوهش ذکر آن رفت به نظر می‌رسد چندان امکان‌پذیر نباشد. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل لایه به لایه علت‌ها سعی در ارائه تصویری کامل از شرایط جامعه مدنی تحلیل روند آن و همین‌طور ارائه سناریوهای پیش روی جامعه مدنی در ایران آینده پرداختیم.

## منابع فارسی:

- اسپریگز، توماس (۱۳۷۰)، **فهم نظریه های سیاسی**، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، آگه.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۷)، **مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز**، تهران: نقش و نگار.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶)، **مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی**، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- افضل‌ی، رسول (۱۳۷۷)، **چشم انداز جامعه مدنی در خاورمیانه**، با مقدمه محمود سریع القلم، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری بشیر علم و ادب.
- بشیری، حسین (۱۳۷۴)، **انقلاب و بسیج سیاسی**، تهران، دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، **دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، تهران، نشر نگاه معاصر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، **جامعه‌شناسی سیاسی**، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، **عقل در سیاست**؛ سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاست، تهران: نگاه معاصر.
- پدram، مسعود (۱۳۸۱)، **ما ایرانیان**، نسبت ملیت و مذهب در وضعیت مدرن، گفت و گوی مطبوعاتی آفتاب، ش ۸.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶)، **جامعه‌مدنی، دموکراسی، منافع ملی**، میزگرد مطبوعاتی، ایران فردا، سال ۶، ش ۳۹.
- چلبی، مسعود و غلامرضا عظیمی (۱۳۸۷)، **مطالعه تطبیقی تاریخی رابطه ساختار سیاسی با توسعه اقتصادی (ایران، چین و ژاپن) ۱۸۰۰-۱۹۲۰**، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۳-۱.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۶)، **استقلال نسبی دولت یا جامعه مدنی در ج ۱۰۱**، فصلنامه مطالعات راهبردی.
- لاریجانی، علی (۱۳۷۶)، **دین و جامعه مدنی**، در **تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی در ایران (مجموعه مقالات) تهران**، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- کمالی، مسعود (۱۳۸۱)، **دو انقلاب ایران، مدرنیته، جامعه مدنی، مبارزه طبقاتی**، تهران، دیگر.
- عظیمی، هوشنگ (۱۳۷۷)، **مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز**، تهران: نقش

و نگار.

- علوی تبار، علی (۱۳۷۷)، *مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز*، تهران: نقش و نگار.

منابع لاتین:

-Nirumand.B.(۲۰۰۳) –iran-report Nr .۱۱/۲۰۰۳-jg-۲-berlin:Heinrich-Boll-stiftung

-Inayatullah, Sohail, 'Causal Layered Analysis: Poststructuralism as method', *Futures*, Vol ۳۰, No ۸, ۲۰۰۹, ۸۱۵-۸۲۹.

-Inayatullah, Sohail, 'Causal Layered Analysis: Poststructuralism as method', *Futures*, Vol ۳۰, No ۸, ۱۹۹۸, ۸۱۵-۸۲۹.

- ———. (Ed.), (۲۰۰۴), *The Causal Layered Analysis Reader*, Tamkang University Press, Tamsui.

- ———. (۲۰۰۷), *Questioning the Future: Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation*, Tamkang University Press: Graduate Institute of Futures Studies..

- ———. (۲۰۰۸), *The Causal Layered Analysis: An Integrative and Transformative Theory and Method*, in Theodore J. Gordon and Jerome C. Glenn, *Futures Research Methodology Version ۳,۰* (AC/UNU Millennium Project), United Nation University Press: Maastricht.

-Hasan Hanafi, "Alternative Conceptions of Civil Society: A Reflective Islamic Approach", in Simon Chambers and Will Kymlicka (eds.), *Alternative Conceptions of Civil Society*, Princeton University Press, ۲۰۰۲, ۱۷۱-۷۲

-Dator, James (ed), (۲۰۰۲), *Futures Studies in Higher education: Advancing Futures*, Wesport CT: Praeger.

-Bell, Wendell, (۲۰۰۳), *Foundations of futures studies: What do we mean by futures studies?* in Richard A. Slaughter, *New Thinking for a New Millennium*, ). London: Routledge.